موسیقی و رقصهای فولکلوریك ایران

تماشا شماره ۱۶
اردیبهشت خرداد ۱۳۴۸

گفتگوئی

با لیلی تجدد

● رقص های محلی ما به علت عدم توجه‌و برای خوشایند بیشتر تماشاچی به صورت «اتراکسیون» درآمده است .

● رقص های فولکلوری گاهی چون‌کویر صاف و آرام و گاهی چون کوهستان پرتحرك و هیجان انگیز است .

***

لیلی تجدد :

در سال ۱۳۲۳ به دنیا آمد و تحصیلاتش را درتهران به پایان رسانید وبه‌لندن‌رفت ، وارد «کالج» رقص و هنرهای «دراماتیك» لندن شد . در ابتدارقص های «مدرن» و رقص های تلویزیونی و صحنه‌ای انگلیس مورد توجه‌اش بود و بعد به رقص‌های «مدرن»امریکا پرداخت و «جروم‌رابین» کارگردان رقص‌های فیلم داستان «وست سایید» معلم‌اش بود . او به‌کارهای«مارتاگراهام» استاد معروف «باله مدرن» امروزامریکا که تکنیك کار خود را بر روی رقص های شرقی‌مخصوصا رقص های مذهبی هند قرار داده ، علاقه نشان داد و بعد به مطالعه رقص های گذشته‌یونان وهم‌چنین‌موزیك‌یونان‌که آزادی‌زیادی برهنه‌می‌داد پرداخت و در کنار تمام این ها برای تنوع‌به مطالعه رقص های ملل مختلف چون اسپانیا ، رومانی ، یوگسلاوی و شوروی پرداخت و آنچه که‌دیگران در این راه‌انجام داده بودند این آرزو را در او برانگیخت که روزی رقص های فولکلوری‌سرزمین‌خود را روی صحنه های بزرك ببیند .به این امید به سرزمین مادری خود بازگشت و به تعلیم پرداخت‌زیرا خود معلمی تحصیل کرده بود . هم‌چنین به جمع‌آوری و تنظیم رقص های فولکلوری و تربیت‌هنرآموزانی که بتوانند این رقص ها را اجرا نمایند پرداخت . در روز های اخیر ما شاهد حاصل‌فعالیت‌های یك ساله او بودیم و کار هنر آموزانی را که تعلیم داده بود دیدیم . شاید این نخستین اجرای‌واقعی رقص های فولکلوری گوشه‌ای از سرزمین ما در تالاری چون رودکی بود . «لیلی تجدد» در این‌برنامه گوشه‌هایی از رقص های فولکلوری تربت جام و بلوچستان را ارائه داد . و ما با وی از رقص های‌فولکلوری ایران سخن گفتیم :

لیلی تجدد : باید دیدکه اصولا فولکلور چیست ؟ فولکلوریك سری سنت ها ، عادت ها ، نقل ها ، شادی ها و عزا هاست که از گذشتگان ملتی برای بازماندگانشان به جا مانده و حفظ شده و خطوط اصلی چهره فرهنك و تمدن ملی را نشان می‌دهد. مثلا یك فرنگی وقتی عزادار است خیلی آرام به مراسم عزاداری می پردازد ولی یك دختر ایرانی وقتی شیون و زاری و بی قراری مادرش را در مرك عزیزی می‌بیند تقلید می‌کند و این سنت و عادت و فولکلوریك ملتی می شود و رقص نیز سنت دیگری است همراه با مراسمی خاص ، سنتی که گاهی برای شادی ، گاه عزا و گاه پرستش است . رقص در ابتدا انعکاس یك احساس درونی بود که حرکتی به دنبال داشت احساسی که بعد ها با زندگی و آداب ورسوم مردم درآمیخت و بیانگر شادی ها و غم ها شد . در نزد بعضی ملل به همان صورت ابتدایی خود باقی ماند و در نقاطی تکامل پذیرفت و با ادبیات و موسیقی ملت خود درآمیخت تا این که امروز جایی بزرك در هنر ملت خود ، بخود اختصاص داده است . بهرحال آنچه در این میان با ارزش است و هسته اصلی رقص های فولکلوریك را می‌سازد احساس است که بستگی تام به شرایط جغرافیایی و آداب و رسوم مردم دارد و ملت ما از این لحاظ یکی از غنی‌ترین

صفحه پنجم

www.aaterndanceforum.com

منابع را در اختیار دارد . در ایران ، ما قسمتهای کویری ، کوهستانی و نقاط سرسبز داریم که می توانیم رقص هایی چون کویر، صاف و بی تحرك و رقص هایی پر تحرك چون کوهستان ها ، دریاچه ها و هیجان ـ انگیز و آرام و پر نشاط چون کرانه های دریای شمال ببینیم .

آنچه این رقص ها را بنا می‌کند ساز ها و حرکت ها است و این حرکات و ساز ها از گذشته‌یی بس طولانی برخوردارند ، در آثاری که از نقاط مختلف این سرزمین به دست آمده نقوشی از رقص ها و ساز ها حتی مربوط به ماقبل تاریخ به‌چشم می‌خورد. سازهایی که امروز در دست مردم خود می بینیم نمونه های تکامل یافته همان سازهاست. در میان ساز های مختلف سازهای ضربی و بادی در موسیقی فولکلوری ما نقش بسیار عمده‌یی دارد و حتی در کتیبه های بیستون نقش برجسته نوازندگانی با ساز های ضربی دیده مـی‌شود . درباریان ایـران بـاستان نوازندگانی داشته‌اند که کارشان ایجاد شادی بود ، چون ساز های ضربی بیشتـر شادی آفرینند ، لاجرم مورد عنایت بیشتری قرار می گرفتند . این ساز ها بعد ها به میان‌مردم رفت و امروز آن ها را بنام **دهل** ، **دف** و **سورنا** می‌شناسیم ، که در نقاط مختلف ایران با کمی‌اختلاف یافت می‌شود و ساز های‌اصلی موسیقی فولکلوری ما را تشکیل می‌دهد .

نقش هایی که از رقص هاوآلات مختلف موسیقی در کندو کاوها در حفاریهای تپهٔ های «سیلك» کاشان و «چشمه علی» به دست آمده وهم‌چنین آثاری که در موزه هـای مختلف دنیا مخصوصا «لوور» پـاریس از موسیقی فولکلوریك ما وجود دارد نمونه های کلی از رقص های مردم این سرزمین را در ستایش یزدان و جشن های مذهبی به دست می‌دهد که امروز اثری از آن هانیست وهم‌چنین ساز هایی در میان مردم ما مرسوم بوده که امروزه نمونه‌یی از آن ها دردست نیست و ما فقط نامشان را در کتب وروایات و احیانا شکلی از آن ها در نقاشی ها می بینیم . ازجمله این سازها ، **ابرجن** یا **جلاجل** است که مجموعه‌یی از زنگوله های کوچکی بوده که بپا می‌بستند و به هنگام پایکوبی رنك موسیقی یا به اصطلاح موسیقی قدیم

اصول را بدان نگاه می داشتند و نامش‌بکرات در دیوان شعرا و نویسندگان گذشته ، چون **نظامی** ، **منوچهری** ، **عطار** و کتاب برهان قاطع آمده است و یا «**اخلنکدو**» که سازی شبیه لیموی تو خالی که از چوب ساخته می شده است . این ساز از لیمو کمی‌بزرگتر و درونش خالی بوده و درآن سنگریزه می ریختند . نویسنده برهان قاطع آن رابازیچه دانسته و **ساکس** آلمانی در فرهنك کامـل موسیقی خود آن را یك ساز ایرانی نامیده است ، این ساز شبیه **چغانه** است و چغانه خود از جمجمه انسان ترتیب داده می شدکه درون آن نیز سنك ریزه می ریختند وهنگام پایکوبی برای حفظ وزن موزیك آن را به حرکت در می‌آوردند . این ساز رفته رفته تغییر شکل داد و به جای جمجمه آن را از جعبه مدوری که از جنس چوب یا مس بود درست میکردند وبعد ها به نام «**چغه**» یا «**جق جقك**» به دست اطفال افتاد و هم‌اکنون در ارکستر های جاز بنام «**مالاکاس**» مـــورد استفاده قرار می‌گیرد .

بنابراین همان گونه که ساکس آلمانی «**اخلنکدو**» را جزو ساز های ضربی ایرانی در فرهنك خود ثبت کرده است ، این ساز را هم باید از ساز های باستانی ایران منظور نماییم و با این اندیشه همچنان که «اخلنکدو» پس از قرون متمادی سرانجام بازیچه اطفال شد ، چغانه نیز پس از گذشت زمان های‌دراز بالاخره بازیچه اطفال ایرانی گردید . ساز دیگری که نواختنش در میان مردم ایـران رواج بسیار داشت ، **ارغنون** بود کـه از خانواده سازهای بادی است که بنابرفرهنك دهخدا وگفته «**هانری جرج‌فارمر**» از لفـظ یونانی «**کانون**» گرفته‌شده و در دیوان‌ها به صورت های مختلف آمده که امروزه شکل تکمیل شده آن را به صورت **ارگ** دستی ، پایی ، آبی ، برقی و **آکوردئون** می‌بینیم .

آن چه در موردش کمتر سخن گفته شده ارغنون دهنی است که مردم ایران آن را موسیقار و چینی ها «شنك» و اروپایی ها «فلوت پان» می نامیدند وایرانیان امروزآنرا **ساز دهنی** می گویند موسیقار سازی است با سابقه طولانی و در بخشی از پیکره برجسته شکار گوزن طاق بستان چند نوازنده ارغنون دهنی حك شده است .

تلاش ـ بعد از این گفتـار مفصل راجع به ساز های موسیقی فلکلوری ما ، زمان آن رسیده که به موضوع اصلی ایـن گفتگو یعنی رقصهای فولکلوری این‌سرزمین بپردازید .

لیلی تجدد ـ سرزمین ما سرزمینـی گسترده است که در هرگوشه آن مردمانی با آداب و رسوم و سنتها و جغرافیایی خاص

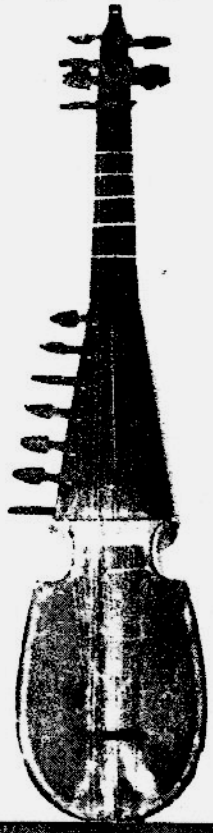

صحنه‌ای از رقص رقاصان تربت جام در تالار رودکی

www.easterndanceforum.com

زندگی می کنند وبه‌همین جهت نوع‌رقصهای هرگروه از این مردمان بستگی تام بشرایط زندگیشان دارد . فی‌المثل از مردمی که به خاطر موقعیت جغرافیایی موطن خود لباس های سنگین و بلند می‌پوشند نمی‌توان رقص های پرحرکت وپر جنبش انتظار داشت و اگر هم تند باشد این تندی در سطح زمین است و رقصنده نمی‌تواند به پرشهای چشم‌گیر بپردازد . رقصهای مردمان مناطق سردسیر و مرطوب شمال کشور ازاین گونه است . مردم کویرنشین از روحیه آرام و ملایمی برخوردارند و رقصهایشان نیز چون خلق و خویشان آرام و بدون تحرك زیاد است .مردم کوهستان نشین که رقصهایشان خشونت آمیز و آمیخته با حرکات تند و احتمالا حرکاتی که نشان دهنده کوه نشین بودن افراد است، چون حرکاتی است که بالا رفتن از کوه را نشان می دهد و یا چون رقصهای مردم شمال نشان دهنده ماهیگیری است .

این رقصها که هنوز بدرستی جمع‌آوری و تنظیم نشده برای یك علاقه‌مند ، میدان وسیع و میدان عظیم و دست نخورده‌یی است که می‌تواند ازآن بهره برگیرد.

نشانه هایی باقی است که‌ما ، قبل ازاسلام رقصهایی داشته‌ایم برای باریدن باران که در ضمن آن نشانه هایی را با خود حرکت می دادند که به صورت جمعی بود و امروزنشانی از آن ها در بین نیست . این رقصهای جمعی در عشایر با تغییراتی محفوظ مانده ، یعنی به این رقصها دستمالی نیز اضافه شد که در دستهای دو جنس مخالف برای این که بهم ربط نداشته باشند قرار می‌گیرد . هم‌چنین دستمال سفید به علامت دور کردن ارواح خبیثه بوده است .

به مساله‌یی که تا امروز کمتر پرداخته شده و می‌توان گفت که اصولا توجه نشده ، رقص های رزمی مردم سرزمین ما است . به خصوص رقصهای بزمی ایل نشینان و مردم کوهستان ها که بخاطر رزمی بودنشان بسیار پر تحرك و هیجان انگیز است . در رقص های رزمی کردها که همه کمر یکدیگر را می گیرند و یا در رقصهای رزمی تربت جام که از چوب استفاده می‌کنند و این چوبها را بشدت همراه با صدای دهل بهم می‌کوبند بسیار هیجان انگیز است . اغلب این رقصها بدست و پا زدن چند نفری از رقصندگان می‌انجامد قسمت هایی از این رقصها در تالار رودکی به وسیله رقصندگان محلی اجرا گردید . رقصها طوری تنظیم شده‌که کسی آزاری نبیند با توجه به‌این که رقصندگان به جای چوب دستی شمشیر بدست گرفتند که در گذشته های دورتر در مقام چوب بوده است .

رقصهای بزمی مردم آذربایجان را باید از خشن ترین رقصهای فولکلوری دنیا به شمار آورد . در این رقص افراد به هنرنمایی و قدرت نمایی فردی می‌پردازند و طبیعی است که خنجر و کارد و به طور کلی‌اسلحه در این رقصها نقش حساسی دارد. ازرقصهای ایرانی که برای مردگان انجام می دادند امروز اثری نیست و مردم ما برای شادی روح مرده هایشان نمی رقصند و فقط اشك می‌ریزند .

لیلی تجدد ــ این رقصها به وسیله فیلم و رفتن به محل و آوردن هنرمندان محلی به مرکز جمع آوری گردیده است . تنظیم کردن این رقصها برای صحنه ، کار چندان ساده‌ای نیست . یك تنظیم کننده علاوه‌برتمام دانایی هایی که باید در این زمینه داشته باشد ، باید مدت زیادی ناظر این رقصهاباشد و تمام اصول آنرا ضبط نماید تا بتواند آن‌را برای صحنه تنظیم نماید . آماده بودن عده‌یی هنرآموز که بتوانند این رقصها را ارائه‌دهند خود مساله‌یی است بسیار مهم . هنر آموزان و رقصندگان آماده‌ای که بتوانند این رقصها و لباس ها و عادات را همانگونه که دراصل بوده ارائه دهند محدودند . برای این منظور ما از یکسال پیش که سازمان ملی فولکلور تشکیل گردید شروع به‌تعلیم یك عده هنرآموز برای اجرای رقصهای فولکلوریك کردیم که نمونه آن در نخستین برنامه در تالار رودکی ارائه گردید که البته چون‌این

رقاصان تر

تلاش ــ اولین برنامه‌ای که از شما در تالار رودکی دیدیم با آنچه که تاکنون به عنوان رقصهای فولکلوری عرضه گردیده‌بود تفاوت آشکار و اساسی داشت به خصوص که اکثر رقصندگان محلی بودند . از شما می خواهم بپرسم ، این رقصها چگونه گردآوری و تنظیم می شود و آیا اجرای این رقصها در صحنه های مجلل از ارزش محلی بودن آن نمی کاهد ؟

نخستین برنامه بود ، ترجیح دادیم که قسمتهائی از این‌رقصها راعده‌یی ازرقصندگان محلی اجرا نمایند که مربوط بود به رقص های تربت جام و بلوچ که از بلوچستان و تربت جام آورده شده بودند .

رقصهای محلی‌ایران‌بیشتر برای‌خوشاین

نفس یا عده‌یی که در آن جمع هستند و ب

مراسمی که در آن شرکت دارند به وجو

صفحه نوز

www.easterndanceforum.com

آمده که در بیشتر مواقع هیچ حالت‌نمایشی ندارد . یعنی این که برای تماشاچی وجمعیتی نیست زیرا که همه در این رقصها و پایکوبی ها شرکت می‌کنند و برای تنظیم کننده این اجبار هست که این حالتها را حفظ کند که متاسفانه اغلب این تنظیم ها بخاطر عدم توجه و برای خوشایند بیشتر تماشاچی به صورت «اتراکسیون» درآمده و به هیچ‌وجه رعایت اصالت رقصها نشده و با تکرار و نمایش مداوم آن ها در مراکز نمایشی به اشاعه این رقصهای من درآوردی که به‌غلط «محلی» یا فولکلوریك نام گرفته ، کمك می‌کند . من که هم‌اکنون با شما راجع به این رقصها صحبت می‌کنم تمام سعی خودرا براین خواهم گذاشت که رقصها را به همان صورت اولیه خود بدون هیچ دست بردگی تنظیم و ضبط نمایم و نمونه آن رقصهایی‌بود از تربت جام .

آن چه در این مورد باید گفته شود ، تحرك بی مانندی است که تا به حال کمتر به آن پرداخته‌اند ، مخصوصا آهنگسازان ما که گویا مدتهاست موسیقی فولکور این مرز و بوم را بدست فراموشی سپرده‌اند واین شاید به خاطر سنگینی انجام چنین کارهایی باشد . اگر هم‌تاکنون به موسیقی فولکلوری ما پرداخته شده بیشتر حالت فرنگی داشته، یعنی این که در ساخته های خود فقط از رنك و ضرب موسیقی محلی ما استفاده کرده‌اند و در حقیقت نام محلی بهانه‌یی بوده برای استفاده از «لحن» قوی و سرشار از زیبایی موسیقی فولکلوری ، در صورتی که آهنگسازان بزرك ملل دیگر که موسیقی‌غنی، چون ما داشته‌اند ، با استفاده از موسیقی سرزمین خود آثاری در حد جهانی به وجود آورده‌اند و موسیقی بومی کشور خود را به گوش مردم سرزمین های دیگر رساندند . چون « شوپن » ، « لیست» ، «بارتوك »، « خاچاطوریان » ، « دفایا » ، « جرج انسکو » . ولی در ایران با وجود داشتن موسیقی محلی غنی به این مهم پرداخته نشده و اگر هم شده به قدری اندك است که در حکم هیچ است و در این مورد می‌توان از سازندگانی چون پرویز محمود ، رویك گریگوریان ، سنجری ، حنانه ، دهلوی نام برد ، که زحماتشان در این مورد بسیار با ارزش است . و اما در مورد این‌که تنظیم رقصهای محلی برای صحنه های‌بزرك به ارزش محلی بودن آن لطمه می‌زند یانه ؟ باید بگویم که در صورتی این لطمه وارد می‌آید که غلط تنظیم یافته باشد . متاسفانه رقصهای محلی ما امروز دچار همین نقص است .

تلاش ــ هر چند که توجه به موسیقی رقصهای محلی و جمع آوری آن و اصولا کار روی رقصهای محلی در سرزمین ما کاری جوان و تازه‌است ، می‌خواهم بپرسم پیشاهنگان این راه چه کسانی بودند ونتیجه کارشان چه بوده است ؟

لیلی تجدد ــ اولین کسی که می‌شناسیم همتی برای گرد آوری و تنظیم رقصهای ما بخرج داد ، خانم «کوك» آمریکایی استاد هنرستان «باله» بود که به خاطر توجه‌زیادی که به رقصهای محلی ما داشت و از وضع مالی خوبی هم برخوردار بود و مهمتر این که زبان فارسی را براحتی تکلم می‌کرد در کارش بسیار موفق بود . خانم «کوك» در سال ۱۳۲۵ به تهران آمد ، او قبلا مدتها همراه با پدرش در یونان زندگی کرده بود و وقتی هم که به ایران آمد ، مطالعه زیادی در تاریخ و فرهنك وهنر ما داشت . خانم «کوك» در ابتدا عده‌یی از علاقمندان این‌هنر را چون هایده احمدزاده ، نژاد احمدزاده ، حسین دانشور ، زرندی و حجت زاده را به دور خود جمع کرد و گروهی را تشکیل داد و خود برای جمع‌آوری این رقصها به سراسر ایران سفر کرد و رقصهایی چون گردآفرید ملهم‌ازشاهنامه فردوسی ، کاروان، ملهم از سعدی ، من و ساقی ، پل اصفهان ، رقص کتانه ملهم از رقصهای کردی ، رقص دستمال ملهم از رقصهای مردم آذربایجان و رقصی بنام داریوش با استفاده از نقش‌های برجسته تخت جمشید تنظیم کرد ، که در آنروز این رقصهارا ارکستر دانشکده افسری همراهی می‌کرد .

این گروه برای معرفی رقصهای محلی ایران سفرهایی به کشور های یونان ،ایتالیا، اردن ، عراق ، سوریه ، ترکیه ، مصر و هندوستان نمود و با این که قبل‌از این‌گروه، باله «شانزلیزه» در این ممالك بود باز هم از این گروه ایرانی استقبال زیادی شد ولی بعد ها این گروه با ورود افرادی از کشور های دیگر رنك ایرانی خود را از دست داد و از هم پاشید .

خانم «کوك» هم‌اکنون زنده است و در یکی از دهکده های یونان زندگی می‌کند .

با تاسیس هنرهای زیبا کار خانم «کوك» دنبال شد ولی نه آن چنان که باید ، وامروز با ورود ماشین به میان ایلات و عشایر و روستانشینان که حافظ اصلی فولکلور ما هستند از بین رفتن این آثار تسریع شده است و باید با کوشش و سرعت بسیار در تنظیم و ثبت و ضبط آن ها اقدام کرد و گرنه دیر می‌شود .

۲۴۶ ←

از یکسال پیش سازمان فولکلور برای حفظ این سنتها تشکیل گردید ، سازمانی که می‌بایست خیلی پیش از این تاسیس می شد . در مورد رقصهای فولکلور همان‌گونه که اشاره کردم ما سعی می‌کنیم و کوشش داریم با تعلیم و آموزش رقصندگانی که قادر به اجرای رقصهای محلی باشند و فرستادن گروه ها و هیئت ها به نقاط دور افتاده و ضبط این رقصها مانع از بین رفتن آنها بشویم . هنری که محل زندگیش‌روستا است و با شهری شدن روستایی چه کسی می تواند نگهبان و حافظ آن باشد ؟

تلاش ــ خانم لیلی تجدد متشکریم .

www.easterndanceforum.com